



Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute Social Studies

P. ISSN: 2845-5705 & E. ISSN: 2717-3720

Website: <http://gofteman.isri.ac.ir>

Volume: 1; Number: 2

Strategic Sources of Soft Power of the Islamic Revolution in the Thought of Ayatollah Khamenei, May Allah's Peace Be Upon Him

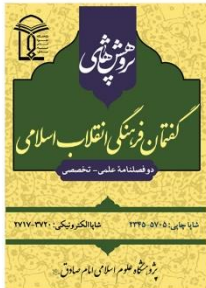
Reza Lakzaei*

Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2025.495306.1034>

Received: 2024/12/22 - Accepted: 2025/2/26

Type of Article: Research

(85-105)



Abstract

The purpose of this article is to explain the strategic sources of soft power of the Islamic Revolution in the thought of Grand Ayatollah Imam Khamenei (the problem). The research findings indicate that His Highness considers faith and patience to be two important sources of soft power. Faith is a conscious, committed, and productive belief that is accompanied by action, and without these elements, faith cannot be formed. Patience also means strenuous and serious resistance to calamities and difficulties and reaching the peak of virtues to the point where a believer sees his defeat as certain but does not give up trying. Patience against sin is more important in this movement than other types of patience. (Conclusion). The article is organized using the method of implication explained in the knowledge of logic and the principles of jurisprudence (method). The analysis of two sources of soft power resources as strategic sources of soft power of the Islamic Revolution based on the thought of Saeb Rahbar-e-Khebir, the leader of the Islamic Revolution, is the innovation of the present article (innovation).

Keywords: Soft power; Imam Khamenei; Islamic Revolution; Faith; Patience

*. Researcher of political thought,
rlakzaee@gmail.com .



پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)
پژوهش‌کننده مطالعات اجتماعی
P. ISSN: 2783-1299 & E. ISSN: 2538-2538
http://goftemanan.iair.ac.ir
سال اول: شماره دوم

منابع راهبردی قدرت نرم انقلاب اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای دام‌ظله

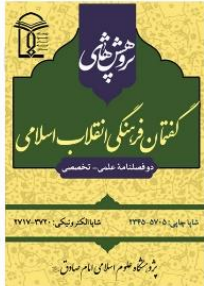
رضا لکزایی*

Doi: <https://doi.org/10.22034/redir.2025.495306.1034>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۸

نوع مقاله: پژوهشی

(۱۰۵-۸۵)



چکیده

مسئله مقاله حاضر، تبیین منابع راهبردی قدرت نرم انقلاب اسلامی در اندیشه آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای است. یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارد که معظم له ایمان و صبر را دو منبع مهم قدرت نرم می‌داند. ایمان، باور آگاهانه، متعهدانه و زاینده، همراه با عمل است و بدون این عناصر شکل نمی‌گیرد. صبر به معنای مقاومت مجاهدانه و جدی در برابر مصائب، مشکلات و رسیدن به قله فضیلت‌ها است؛ تا جایی که انسان مؤمن شکست خویش را قطعی ببیند، اما دست از تلاش برندارد. در این حرکت، صبر بر معصیت، مهم‌تر از سایر انواع صبر است. مقاله با استفاده از روش دلالت - که در دانش منطق و اصول فقه تبیین شده - سامان یافته است. نوآوری مقاله حاضر، تحلیل دو منبع از منابع قدرت نرم، به منزله منابع راهبردی قدرت نرم انقلاب اسلامی، براساس اندیشه صائب رهبر خبیر انقلاب اسلامی است.

واژگان کلیدی: قدرت نرم، امام خامنه‌ای، انقلاب اسلامی، ایمان، صبر، منابع راهبردی، قرآن کریم.

* پژوهشگر اندیشه سیاسی،
r.lakzaee@gmail.com

مقدمه

قدرت، موضوع محوری علم سیاست است. اکثر متفکران درباره قدرت تأملاتی داشته‌اند؛ برخی به صورت مستقل به بحث قدرت پرداخته و تک‌نگاری‌هایی در این زمینه، چه درباره قدرت مطلق و چه -این اواخر- با عنوان «قدرت نرم»، داشته‌اند. علاوه بر این، قدرت از مسائل فلسفی و کلامی هم به شمار می‌رود و مورد توجه متفکران مسلمان بوده است. انقلاب اسلامی، استمرار بعثت در عصر غیبت و بزرگ‌ترین تحول جهان معاصر است. این انقلاب با ظرفیت عظیم و خیره‌کننده خود، لازم دارد که مفاهیم را از نگاه و پنجره ذهن خویش ببیند و به دیگران نشان دهد. در این زمینه، مانعی هم نمی‌بیند که از تمام ظرفیت‌های موجود استفاده کند؛ چه دانش متفکران مسلمان و چه اندیشمندان مغرب‌زمین.

یکی از مباحث قدرت، به منابع قدرت اختصاص دارد. پرسش مقاله حاضر این است که منابع راهبردی قدرت نرم چیستند؟ به دیگر سخن، مقاله راجع به منابع اصلی، کلیدی و مهم قدرت نرم تأمل می‌کند و این مسئله را براساس چارچوب دین‌شناسانه رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای، بررسی می‌کند.

راجع به قدرت نرم، مقالات و تک‌نگاری‌هایی نوشته شده است (از جمله ن.ک: نای، ۱۳۸۹؛ نباتیان و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۹-۵۸؛ منتظری و دیگران، ۱۴۰۲: ۷-۲۴؛ رضاپور، ۱۳۹۶ و جهان‌بین و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۳۷-۱۶۰).

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، «ایمان» و «صبر» دو منبع راهبردی قدرت نرم هستند؛ بود و بنیاد و هست و نیست قدرت نرم را این دو عنصر تشکیل می‌دهد. در بخش اول مقاله، به این بحث توجه می‌شود که ایمان چگونه منبع قدرت نرم است؟ چرا منبع قدرت نرم است؟ چرا منبع راهبردی قدرت نرم است؟ چگونه ایمان به قدرت منجر و منتج می‌شود؟ ایمان چه تغییری در نهاد و هویت انسان به وجود می‌آورد؟ تفاوت انسان مؤمن و غیر مؤمن در چیست؟ آیا این برداشت درست است که انسان مشرک و کافر، در مقایسه با انسان مؤمن و معتقد به توحید، ضعیف‌تر است؟ اگر چنین است، پس چرا کافران به جهان مسلط هستند و بر قدرت و ثروت در جهان سیطره دارند؟ آیا ایمان، تشکیکی و دارای مراتب خیلی ضعیف،

ضعیف، قوی و خیلی قوی است یا تک‌سایز است که کارخانه تنها یک قالب از آن تولید کرده و قابلیت کاهش و افزایش ندارد؟ آیا ایمان، علاوه بر تأثیرات فردی، دارای تأثیرات اجتماعی هم هست؟ بنابراین، مسئله مقاله حاضر این است که مهم‌ترین منابع قدرت نرم از منظر امام خامنه‌ای چیست؟ بحث، صبغه سیاسی دارد و در حوزه علوم انسانی و سیاسی قرآن بنیان قرار می‌گیرد. بحث با استفاده از روش دلالت - که در دانش منطق (طوسی، ۱۳۶۷: ۷) و اصول فقه (عراقی، ۱۳۶۱: ج ۱، ۸۲) تبیین شده است - ارائه می‌شود. گفتنی است که مقاله، بیشتر از دلالت مطابقی بهره می‌گیرد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. قدرت

قدرت در تفکر اسلامی به معنای «اقدام در صورت اراده» است (ر.ک: لک‌زایی و دیگران، ۱۳۹۸: ۹۳-۱۰۸). بر این اساس، تعریف قدرت، چه نرم باشد و چه سخت و چه هرگونه دیگری، همین تعریف است؛ اما فاعل، غایت و ابزار آن، ممکن است متفاوت باشد. بسته به اینکه اراده به کارگیرنده قدرت، متعالی و الهی باشد یا غیرالهی و ضدالهی، قدرت به دو نوع «متعالی» و «مُتدانی» تقسیم می‌شود؛ نوع متدانی، در واقع «سلطه» نام دارد که فقط شبیه قدرت است (ر.ک: لک‌زایی، ۱۳۹۷). بر این مبنا، قدرت نرم، آن قدرتی است که جنس آن دانش، ایمان، آگاهی، اراده، اعتقاد، بینش و گرایش‌ات الهی و انسانی است. به تعبیر دیگر، اگر انسان را دارای سه لایه «روح، نفس و بدن» یا سه ضلع «اندیشه، انگیزه و عمل» یا «بینش، گرایش و کنش» بدانیم، محمل قدرت نرم، «عقل و نفس» و از جنس «انگیزه و اندیشه» خواهد بود. بنابراین، قدرت نرم در تفکر الهی، به معنای تحمیل اراده الف بر ب و یکی کردن خواست خود با دیگری، از راه پنهانی و نامرئی و فریبکارانه نیست، بلکه ریشه در آگاهی دارد؛ چنان‌که صدور انقلاب هم به معنای صدور آگاهی و معرفت است و این معنایی بود که دشمن بهتر از هرکس دیگری متوجه آن شد و به مقابله با آن و در واقع، به تحریف معنای صحیح و منطقی آن پرداخت. امام خامنه‌ای در تعریف مفهوم قدرت معتقد است: «قدرت عبارت است از منشأ فعل شدن» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۲۴۷). منشأ فعل شدن باید از روی

علم و اراده باشد و فاعل توانایی انجام دادن یا انجام ندادن کار را داشته باشد (خمینی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۲۹۱). بنابراین، قدرت یک معنا دارد، اما ممکن است متعلقات آن متفاوت باشند. اگر دولت، ملت یا شخصی بتواند منشأ فعلی شود - یعنی اراده کند و اقدامی را انجام دهد - آن گاه قدرت دارد و اگر نتواند، فاقد قدرت است. قدرت دارای ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی، نظامی، فضای مجازی، فرهنگی و... است. سطوح مختلفی هم دارد؛ از شخصی و خانوادگی گرفته تا ملی و منطقه‌ای و جهانی. افزون بر اینکه ساحات مختلفی نیز داراست: ساحت باور و عقیده و ایمان، ساحت اخلاق و عواطف و هیجانات، ساحت رفتارهای عملی، ساحت سازمانی و ساختارهای اجتماعی، ساحت صنعتی و ابزاری و نمادین. باید در تمام ابعاد و سطوح و ساحات، قدرتمند شد تا از آسیب دشمن در امان ماند. به قول شاعر خراسانی: «برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی» (گلشن، ۱۳۳۲: ۳۵)

قرآن در همین زمینه می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ؛ و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان - که شما آن‌ها را نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد - بترسانید» (انفال: ۶۰).

۲-۱. منابع راهبردی

منبع به معنای «منشأ» و «سرچشمه» است و راهبردی هم یعنی «حیاتی». راجع به اینکه چه چیزهایی از منابع قدرت نرم هستند، سخن فراوان گفته شده است؛ اکنون بحث این است که کدام یک از منابع قدرت، حیاتی هستند. به تعبیر دیگر، اگر کدام یک از منابع قدرت را در اختیار داشته باشیم، پیروزی ما تضمین شده است و اگر از کدامین منابع قدرت محروم باشیم، با موفقیت هم باید وداع کنیم. آنچه این مقاله را از سایر نوشته‌ها متمایز می‌سازد و نوآوری برجسته اثر حاضر است، توجه به منابع راهبردی قدرت نرم است.

۲. طبقه‌بندی انواع قدرت براساس ایمان و شرک

در تعریفی که از قدرت از منظر امام خامنه‌ای بیان شد، انواع آن نیز مورد اشاره قرار گرفت؛ در عین حال، برای اینکه بتوانیم انواع قدرت را از منظر امام خامنه‌ای بهتر تبیین کنیم، باید

بررسی کنیم که ایشان چگونه انسان را طبقه‌بندی می‌کنند. ویژگی مهمی که تقسیم‌بندی ایشان دارد، این است که این طبقه بندی با رویکرد به قدرت انجام گرفته است که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱-۲. قدرت مشرکانه

از مهم‌ترین منابع اندیشه رهبر معظم انقلاب، قرآن کریم است. ایشان در تفسیر سوره ملک تصریح می‌کنند که رسالت عمده سوره‌های مکی، عبارت از این است که بینش و تفکر محدود انسان مشرک و کافر را به یک بینش و آگاهی وسیع و همه‌جانبه از انسان و جهان تبدیل کنند. انسان مشرک که در محیط جاهلی رشد و تربیت یافته، وقتی به خودش نگاه می‌کند، خود را بسیار حقیر و سرتاپا عجز و احتیاج می‌یابد. وقتی به قدرت‌ها و عظمت‌های خیالی و حتی اجسام عظیم نگاه می‌کند، آن‌ها را در مقایسه با خود دارای عظمت می‌بیند و در مقابل آن‌ها خضوع و خشوع می‌کند. به همین دلیل، انسان جاهل در دوره‌های قدیم زندگی بشر، از رعد و برق، کوه، دریا، اسب چموش، تاریکی، طوفان و بیماری‌های مختلف می‌ترسید. این ترس موجب می‌شد که در این اشیاء قدرتی فرض کند و در مقابل آن‌ها خضوع کند. به همین نسبت، عظمت‌ها و قدرت‌های سیاسی و اقتصادی در جامعه جاهلی، انسان‌ها را وادار به خضوع می‌کرد. در جامعه جاهلی که خدا در آن جامعه شناخته شده نیست، هرکسی که مقداری از حقارت و ضعف رایج در آن جامعه فراتر باشد، در چشم افراد حقیر، عظمت پیدا می‌کند و این عظمت، گاهی به ستایش و تقدیس او پایان می‌پذیرد (خامنه‌ای، تفسیر سوره ملک: آیات ۱ و ۲، ۱۳۶۸/۸/۱۸).

طبق این نگاه، انسان مشرک، به لحاظ معرفت‌شناسی، فاقد بینش وسیع و صحیح و آگاهی عظیم و جامع از انسان و جهان است. ایمان به غیب، غایب بزرگ دستگاه معرفت‌شناسی مشرک است. او خود را می‌بیند و خود را. چشم خداین ندارد. به لحاظ انسان‌شناسی، خود را حقیر و سرتاپا عجز و احتیاج می‌بیند. آنچه هم که توان برطرف ساختن این ضعف را دارد، یا سلاح است یا سرمایه؛ اگر خودش داشت که سر به طغیان برمی‌دارد: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَإِطْفَىٰ أُنْزَاةً اسْتَعْتَبَىٰ» (علق: ۶ و ۷) یا به سراغ کسی می‌رود که

زور در بازو و زر در ترازویش باشد. در این میان، کسانی هم به مدیریت و بلکه مهندسی افکار عمومی می‌پردازند و فریاد «انا ربکم الاعلی» سر می‌دهند و دیگران را به پرستش و تقدیس خویش فرامی‌خوانند. این کسان می‌توانند افراد باشند یا دولت‌ها؛ فرقی نمی‌کند. جهان بینی او هم ناقص و هم غلط است؛ جهان را سپاه و ستاد و سرباز خدا نمی‌بیند و نمی‌داند. به فرشته اعتقادی ندارد؛ چه رسد به اینکه منتظر باشد از سوی فرشتگان یاری شود. تعریف محدود و مختصری هم از پیروزی و شکست دارد که از قواره محسوسات مادی فراتر نمی‌رود. از هرچیزی قدرتی بیند، می‌ترسد و به او قداست می‌بخشد. از لحاظ سیاسی، در برابر عظمت‌های سیاسی و اقتصادی طاغوتی خضوع می‌کند. به لحاظ راهبردی، چون ضعف و نیاز خود را ملاک و معیار شناخت قرار می‌دهد، توان تشخیص و برآورد قدرت جبهه مقابل را ندارد و دچار خطاهای راهبردی می‌شود.

۲-۲. قدرت مؤمنانه

بینش انسان در محیط معرفت خدا و آنجایی که خدا شناخته شده است و قدرت خدا دانسته شده است، متفاوت است. انسان که به خودش مراجعه می‌کند، احساس ضعف می‌کند؛ حقیقت هم همین است. انسان در مقابل بسیاری از پدیده‌های عالم، از آغاز ضعیف است. گاهی یک پشه، زمانی یک مگس، هنگامی یک باد گرم یا سرد، یا صدایی ناهنجار آسایش را از انسان سلب می‌کند. انسان موجودی آسیب‌پذیر است. اما در محیط توحیدی بعد از آنکه انسان ضعف خود را مشاهده کرد، در مقابل این ضعف، عظمت‌های پنداری و پوشالی را مورداعتنا قرار نمی‌دهد؛ زیرا انسان خداشناس، همه قدرت‌ها، عظمت‌ها، ثروت‌ها، دانش‌ها و بصیرت‌ها را از خدا و متعلق به خدا می‌داند. از این رو، وقتی در خود احساس ضعف کرد، با ارتباط دادن خود به خدا، همه عظمت‌های دیگر در نظر او کوچک می‌شود و ناگهان، انسانی که مظهر ضعف، عجز، حقارت و ناتوانی بود، با ایجاد رابطه بین خود و خدا، به یک عظمت تبدیل می‌شود.

این نگرش به انسان، بی‌نیازی و عظمت معنوی و روحی و قدرت بی‌نهایت می‌دهد و باعث می‌شود اگر بزرگ‌ترین پادشاهان دنیا هم مقابل او ظاهر شوند، در مقابل آن‌ها احساس

حقارت نکند؛ چون او بنده آن قدرتمندی است که همه پادشاهان، در مقابل او کوچک و حقیر هستند. اگر همه ثروتمندان عالم، ثروتشان را مقابل چشم او بگیرند، تا او را به خضوع و خشوع وادار کنند، موفق نمی‌شوند؛ زیرا انسان مؤمن می‌داند که میلیاردها برابر این ثروت، متعلق به خدا و مال خداست و انسان‌ها فقط امانت‌دار این ثروت‌ها هستند. اگر بزرگ‌ترین دانشمندان جهان هم در مقابل بنده عارف صالح خدا ظاهر بشوند، او در مقابل آن‌ها احساس حقارت و خضوع نمی‌کند؛ چون می‌داند که این دانش، هبه الهی است و خداست که می‌تواند دانش بدهد و او هم می‌تواند از خدای متعال دانش دریافت کند و این دانش امانتی است در دست او، هر وقت هم خدا بخواهد این دانش را از او می‌گیرد. بنابراین، اتصال انسان به خدا و احساس بندگی خدا، به انسان مصونیت می‌بخشد. این گونه بود که قرآن انسان‌هایی تربیت می‌کرد که کاخ مدائن هم در چشم آن‌ها پیشیزی نمی‌ارزید. ایمان، انسان مؤمن را از محدودیت خارج می‌کند، از حقارت نجات می‌دهد و به عظمت می‌رساند (خامنه‌ای، تفسیر سوره ملک: آیات ۱ و ۲، ۱۳۶۸/۸/۱۸).

در ادامه، ایشان مثال به‌روز این بحث را ذکر می‌کند و می‌فرماید: انسان وقتی که در نظام پادشاهی زندگی می‌کند، قدرت و عظمت طاغوتی را مسلط بر خودش می‌داند و معتقد است که او بر جان، مال، فکر و وجود و همه چیز من مسلط است و هرکاری بخواهد می‌تواند انجام دهد؛ از کوچک‌ترین مظاهر قدرت، تا مغز استخوانش می‌لرزد. حتی در مقابل یک سرباز نظام طاغوت و نگاه اخم‌آلود او هم احساس حقارت و ترس می‌کند. اما وقتی که به همان انسان، بینش اسلامی و انقلابی داده شد، حاضر است در یک مجمع عظیم جهانی بایستد و بدون احساس ترس به سیاست‌های شیطانی آمریکا اعتراض کند (خامنه‌ای، تفسیر سوره ملک: آیات ۱ و ۲، ۱۳۶۸/۸/۱۸).

طبق این مبنا هم انسان ضعیف است و از این ضعف و ناتوانی خویش باخبر است. اما آن را ملاک سنجش قدرت خود قرار نمی‌دهد و دچار خطاهای راهبردی نمی‌شود؛ چراکه خدا را می‌شناسد و قطره ناچیز وجود خویش را به دریای نامتناهی قدرت خداوند متعال پیوند زده است. از این‌رو، در برابر قدرت‌های طاغوتی متکبر و مستکبر، خضوع نمی‌کند و از

آن‌ها نمی‌ترسد. دارای عزت نفس است و احساس عزت می‌کند و همواره شجاع و امیدوار است. فقط از خداوند و کسانی که او فرموده، اطاعت می‌کند و تنها خداوند را پرستش می‌کند و تنها از عظمت خداوند احساس خضوع و خشوع و خشیت می‌کند و حساب می‌برد. تکیه‌اش به خودش و داشته‌ها و ابزارهایش نیست و حتی بدون سلاح و سپاه هم خود را قدرتمند می‌بیند. در این بینش، ایمان به خدا و کفر به طاغوت، لازم و ملزوم و به‌سان دو بال در کنار یکدیگرند. از این رو، قدرت ایمان باعث می‌شود که انسان مؤمن، ابراهیم‌وار در برابر نمرودها و طاغوت‌های زمان به مبارزه برخیزد و از هیچ چیز نهراسد.

باید به خاطر داشت براساس نظریه آیت‌الله خامنه‌ای، راجع به مسئله معروف نسبت انسان و جامعه، ایشان معتقد است که نگاه اسلام به فرد و مجموعه انسان‌ها، یعنی جامعه، از دو زاویه صورت می‌گیرد؛ به این معنا که اگر اسلام به شخص خطاب فرموده که صبر کند یا صداقت داشته باشد یا قدرت کسب کند، همین خطاب متوجه جامعه اسلامی هم هست. به‌دیگرسخن، آیت‌الله خامنه‌ای میان فرد و جامعه، تباین و جدایی نمی‌بیند که بعد بخواهد میان آن دو پیوند برقرار کند. از این منظر، تفاوت خصوصیات فرد مؤمن و انقلاب اسلامی یک نگاه منسجم و مکمل است که فقط در زاویه نگاه با هم تفاوت دارند. از یک زاویه، خصوصیات فردی و از زاویه دیگر، خصوصیت انقلاب اسلامی به چشم می‌آید و دیده می‌شود که درهم تنیده و مکمل یکدیگرند (لک‌زایی و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۳-۸۲).

۳. منابع قدرت

بسیاری از متفکران، راجع به منابع قدرت نرم سخن گفته‌اند، اما به این پرسش که منابع راهبردی و حیاتی قدرت نرم کدام‌اند، کمتر پاسخ گفته شده است. در ادامه، ایمان و صبر، به‌عنوان منابع راهبردی قدرت نرم، تبیین می‌شود.

۳-۱. ایمان

ایمان به‌معنای «باور همراه با تعهد» است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۶۱). گِروِش قلبی، وابستگی فکری و اعتقادی و روانی به یک مطلب، شخص، قطب و مرکز، نامش ایمان است؛ اما تنها به همین خلاصه نمی‌شود. آن وقتی ایمان به صورت راستین در کسی وجود دارد که طبق آن

ایمان، عمل کند و به لوازم و تعهدات ایمان پایبند باشد. این گونه نباشد که هم شخص منکر خدا ظلم کند و هم کسی که معتقد به خداست؛ بلکه آن وقت کسی می‌تواند بگوید مؤمن به خداست که متن زندگی او با آن کسی که منکر خداست، تفاوت داشته باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۴۹). در ادامه، راجع به ایمان بیشتر سخن خواهیم گفت.

برای اینکه طرفداران دین موفق شوند، به معجزه نیازی نیست؛ بلکه اگر دو شرط وجود داشته باشد، موفقیت اسلام و قرآن موفق خواهد شد. آن دو شرط، یکی ایمان است و دیگری صبر. از نظر رهبر معظم انقلاب، «همه قدرت‌های دینی، اگر توانسته‌اند به صورت قدرتی در بیایند یا باقی بمانند، در سایه ایمان و صبر بوده است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۶۴). پرسش این است که ایمان و صبر، چگونه عامل موفقیت جبهه حق محسوب می‌شوند. به دیگر سخن، ایمان و صبر چگونه به عنوان کانون اصلی و منبع اصیل قدرت نرم عمل می‌کند؟

پاسخ این است که براساس آموزه‌های قرآن، در طول تاریخ نبوت‌ها، هر جا پیامبری از طاغوت زمان خودش شکست خورده، به این دلیل بوده که پیروانش از ایمان یا صبر کافی برخوردار نبوده‌اند و ضعف ایمان یا ضعف مقاومت، عدم موفقیت و پیروزی را رقم زده است.

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۹)؛ ای مسلمانان سست نشوید و اندوهگین مگردید. شما بالاترید، دست شما بالاتر است. شما پیروزمند خواهید بود، شما بر دشمن غلبه خواهید کرد، فکر شما بالاخره بر اورنگ حکمرانی جهان خواهد نشست؛ البته اگر مؤمن باشید. اگر ایمان وجود داشته باشد، پیروزی و برتری به دست می‌آید (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۶۱).

ایمان شرایط دیگری هم لازم دارد و آن اینکه باید از روی شعور و آگاهی و فهم باشد؛ نه کورکورانه و متعصبانه، و نه مقلدانه و جاهلانه (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۷۵). این ایمان زاینده، وقتی با تعهدات عملی همراه شود، به منبع قدرت تبدیل می‌شود. ایمان زاینده، ایمانی است که مثل سرچشمه‌ای فیاض از دل آن عمل می‌جوشد؛ ایمانی است که باری بر دوش مؤمن

می‌گذارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۷۸) و او را مسئولیت‌پذیر می‌سازد. کسانی که ایمان و عمل صالح را تا آنجا دوست دارند که به سود شخصی و حزبی آن‌هاست و با نام ایمان و تظاهر به عمل متاع اندک دنیا را به کف می‌آورند، از نظر اسلام مؤمن نیستند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۹۱). بنابراین، ایمان منافقانه، جاهلانه، مقلدانه و متعصبانه نمی‌تواند منبع قدرت متعالی باشد. اولین کاری که ایمان آگاهانه به مبدأ و معاد - که رویشگر عمل متعهدانه است - دمیدن روح امید و مقاومت و ایستادگی و فداکاری در برابر دشمنان توحید و حق و عدالت و قدرت مشرکانه است. آنچه فرعون را وامی‌دارد تا خون نوزادان را بریزد، ترس است و وقتی چراغ ایمان روشن شد، دیگر ترسی از فرعون زمانه باقی نمی‌ماند. با آمدن موسای ایمان، عصیان فرعون، راهی جز تسلیم یا گریز ندارد.

۲-۳. قدرت صبر

آیت‌الله خامنه‌ای در تعریف لغوی صبر، آن را به «پایداری» تعریف می‌کند (بیانات در دیدار با میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از مسئولان نظام، ۱۴۰۰/۸/۲). ایشان یک تعریف اصطلاحی یا سازه‌ای هم از صبر ارائه داده است و در تعریف صبر می‌فرماید: «صبر یعنی مقاومت آدمی در راه تکامل، در برابر انگیزه‌های شرآفرین، فسادآفرین و انحطاط‌آفرین» (خامنه‌ای، ۱۳۵۴: ۱۰). در اینجا، صبر با یک لغت تعریف نمی‌شود، بلکه فاعل باید از موانعی که مقابل روی او قرار دارد تا به کمال نرسد، باید عبور کند. پس عبور الف از ب برای رسیدن به ج، صبر نامیده می‌شود. صبر همان چوبی است که بندباز را روی بند نگاه می‌دارد. با تمسک به صبر است که مؤمن بر بند باریک صراط مستقیم که تیزتر از شمشیر و باریک‌تر از پوست، دوام می‌آورد، حرکت می‌کند و به پیش می‌رود. ایمان بدون صبر، بدن بدون سر است. تن و بدن، با هم قدرت آفرین‌اند. اینکه بدون فعالیت و تلاش و تپش، بنشینیم و ببینیم چگونه خواهد شد، اسمش بدبختی و خواری و بی‌دینی است، نه صبر و مقاومت و پایداری؛ «حَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» (حج: ۱۱). صبر و قدرت مؤمنانه، با هم به مصاف قدرت مشرکانه می‌روند و پشتش را به خاک می‌رسانند. صبر در اندیشه اسلامی، سه چهره دارد: صبر بر عبادت، صبر بر معصیت و صبر بر

مصیبت. کوهنوردی را در نظر بگیرید که عازم فتح قله است. گاه سنگی، خاربنی، دزدی و گرگی در راه هست که مانع انجام تکلیف مثبت کوهنورد، یعنی حرکت به سمت قله، است. گاهی منظره زیبایی، بستر گرم و نرمی، رفیق و سوسه‌گری وجود دارد که ره‌پیمای کوهنورد را به بار انداختن، و عزم رحیل را به اقامت بدل کردن، تشویق می‌کند. این چرب و شیرین و زیبایی و شکوه ظاهری هم مانعی بر سر راه فتح قله محسوب می‌شود. گاهی مانع از جنس دیگری است؛ این بار بیماری و بیماری‌داری و سرگرمی اندوه‌آوری، رهنز طریق می‌شود و دل‌سردی و ناپایداری پدید می‌آورد و کوهنورد قصه را از حرکت به سمت قله باز می‌دارد.

این سه نوع مزاحم و مانع در پیمایش راه تکامل انسان‌ها و جوامع و امت‌ها و دولت‌ها نیز وجود دارد. انگیزه‌هایی برای ترک واجبات، کشش‌هایی برای انجام دادن محرمات و گناهان، عواملی برای ناآرامی و ناپایداری‌های روحی. صبر یعنی مقاومت و تسلیم نشدن در برابر این هر سه گونه انگیزه و عامل مزاحم که بی‌گمان، فسادآفرین، شرآفرین، انحطاط‌آفرین اند (خامنه‌ای، ۱۳۵۴: ۳۴-۳۵).

قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (بقره: ۱۵۳)؛ به وسیله حربه صبر به اهدافتان برسید و بر دشمنان پیروز شوید. آن دستی که باید از آستین بیرون بیاید و اقدام کند، دست صبر انسانی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۶۱).

۱-۲-۳. صبر بر طاعت

در بخشی از سوره اعراف می‌خوانیم که فرعون دعوت حضرت موسی را نمی‌پذیرد و حضرت موسی را هم تهدید می‌کند و هم به او تهمت ساحری می‌زند. سحر ساحران در مقابل معجزه حضرت موسای کلیم شکست، کاری از پیش نمی‌برند و بلکه خودشان هم به حضرت موسی ایمان می‌آورند. بعد از ماجرای جادوگران فرعون، قضیه این‌گونه ادامه می‌یابد: «وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُ مُوسَى وَ قَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَ آلِهَتِكَ قَالَ سَتَقْتُلُ أَبْنَاءَهُمْ وَ تَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَ إِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ» (اعراف: ۱۲۷)؛ ملأ، سران، سرداران و بزرگان قوم فرعون، به او چنین گفتند: آیا تو موسی و یارانش را رها می‌کنی تا در زمین فساد و اخلال‌گری کنند و تو را و خدایان تو را کنار بگذارند؟ فرعون جواب داد: نه! من موسی را از بین می‌برم.

یک حمله سخت را علیه موسی و کوبیدن حزب موسویان تدارک دید و آن، این بود که گفت: جوانانشان را خواهم کشت و زنانشان را زنده نگاه خواهم داشت (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۶۲).

اینجا، جایی است که استخوان پیلان می‌لرزد و دل‌های قرص و محکم متزلزل می‌شود و اینجا، همان جایی است که موسویان باید روحیه بگیرند و در این لحظه حساس و سرنوشت‌ساز و خطرناک، احساس شکست نکنند. از این رو، حضرت موسی هم نقشه جدید خود را ارائه می‌دهد: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف: ۱۲۸)؛ از خدا یاری بخواهید و صبر کنید. به راهتان ادامه دهید، مقاومت کنید، تلاشتان را نیمه‌کاره رها نکنید. زمین از آن خداست و آن را به هر یک از بندگان که بخواهد، واگذار می‌کند. یعنی موسی به بنی‌اسرائیل می‌گوید: شما بنده خدا هستید، بندگان فرعون، کارشان به نتیجه نخواهد رسید. زمین برای بندگان خداست. فرجام و پایان کار از آن مردم باتقواست. لذا موسی که یک روز این گونه با فرعون درگیری دارد، روز دیگر دستور ورود به ارض مقدس را صادر می‌کند: «يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ» (مائده: ۲۱) (ر.ک: خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۶۳-۳۶۴).

روشن است که امر به معروف و نهی از منکر و افشای کلمه حق - که به گوش و مذاق اهل باطل و فساد، از هر چیزی ناخوشایندتر و تلخ‌تر است - در برابر پیشوایی ستمگر - که شمشیری در دستی و تازیانه‌ای در دستی دیگر دارد - از حق و عدل و انصاف سخن گفتن و او را امر به معروف و نهی از منکر کردن، تلخ و کشنده است، یا حاضر شدن در مصافحان گرگان درنده‌ای که برق چشم و برق شمشیرشان تا اعماق دل و جان ظاهرینان نفوذ می‌کند، یا ایستادگی در مقابل موج فساد و انحراف یک ملت یا یک طبقه یا یک ملت یا همه بشریت، دشوارترین و خطرناک‌ترین و تهدیدکننده‌ترین کارهاست (خامنه‌ای، ۱۳۵۴: ۴۱-۴۲). در صحنه مصافحان دشمن، آنجا که خطر در چهره واقعی و جدی خود رخ می‌نماید، مرگ سرخ با شتاب به سوی آدمی خیز می‌گیرد، لذت‌ها و شیرینی‌های زندگی، خاطره فرزندان و عزیزان در ذهن و چهره محبوبان در چشم مجسم می‌شود، مشغله‌های مادی و سودجویی‌ها، هر یک به نوعی دامن وی را به سوی خود می‌کشد و گام را لرزان و اراده را ضعیف می‌کند، در

برابر این همه، باید مقاومت ورزید و همه مزاحمان پیش روی پیروزی را از سر راه انجام وظیفه و طاعت خداوند متعال دور ساخت (خامنه‌ای، ۱۳۵۴: ۴۵).

انجام تکلیف واجب، قدرت روحی و صبر و شجاعت درونی نیاز دارد. کسی که می‌خواهد به واجب شرعی عمل کند، باید مجهز به ایمان و عمل صالح باشد. وقتی ایمان و عمل صالح - که مصداق بارز آن، صبر در راه عبادت خدا و امر به معروف و نهی از منکر یا جهاد فی سبیل الله است - رخ نمایاند، جبهه باطل تضعیف و متلاشی و جبهه حق، قوی و قدرتمند می‌شود. پس صبر مؤمنانه و ایمان متعهدانه و عمل آفرین، همدیگر را تقویت می‌کنند و باعث افزایش قدرت سپاه حق می‌شوند. ایمان و عمل صالح، صبر، زنجیره شجاعت و امید و توکل و حسن ظن به خدا و تزکیه نفس و یاری خدا را به میدان می‌آورند و دشمن را در نبرد سخت و نرم زمین‌گیر می‌کنند و خود به دام جنگ شناختی و عملیات روانی دشمن نمی‌افتند، که دیگران را هم از کمند دشمن غدار می‌رهانند. باید صبر کرد، صبر بر طاعت.

إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ؛ هرگاه بیست نفر بااستقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند... فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ، هرگاه یک صد نفر بااستقامت از شما باشند، بر دویست نفر پیروز می‌شوند (انفال: ۶۵).

در این آیه، صبر چیزی جز مقاومت و پایداری در برابر انگیزه‌های مزاحم - که سرباز مجاهد را از روبه‌رو شدن با دشمن در صحنه نبرد بازمی‌دارد - نیست. صابرائی که در این آیه به آن‌ها اشاره شده، کسانی هستند که عربده‌ها و برق شمشیرها و برق نگاه‌های دشمن و چهره خشم‌آلود مرگ و یاد یاران و فرزندان و خاطره زندگی راحت، آنان را از انجام وظیفه جهاد و قتال باز نمی‌دارد و در عزم و تصمیم آنان بر انجام اطاعت خدا خللی ایجاد نمی‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۵۴: ۴۸).

۲-۲-۳. صبر در برابر معصیت

در انسان، به طور طبیعی، تمایلات و کشش‌هایی وجود دارد که او را به طرف کارهایی می‌کشاند و از کارهایی بازمی‌دارد و درحقیقت، ابزاری است برای حرکت و تلاش انسان در

دوران زندگی. این تمایلات را «غریزه» می‌نامند. خوددوستی، فرزنددوستی، مال‌دوستی، قدرت‌طلبی، تمایل جنسی و ده‌ها کشش و جاذبه دیگر، اسلام نه راه‌گرایز را کاملاً می‌بندد و آن‌ها را نادیده می‌انگارد و بلکه آن‌ها همچون واقعیتی غیرقابل اجتناب و حتی سودمند تصویب می‌کند و از طرف دیگر، راه طغیان و تجاوز و انحراف را هم به روی آن‌ها می‌بندد. معصیت و گناه، از همین طغیان و انحراف نشأت می‌گیرد که با صبر و مقاومت باید آن آتش طغیان را خاموش کرد (خامنه‌ای، ۱۳۵۴: ۵۰). انسان، به‌طور طبیعی، مایل است مقتدر باشد. یقیناً آنان که ضعف و زبونی و فرودستی را -مانند عنصری از وجود خویش- پذیرفته‌اند، باید باور کنند که از سرشت و طبیعت انسانی خود منحرف گشته‌اند. اسلام در این مورد نیز همان شیوه همیشگی خود را در مورد همه‌گرایز به کار برده است؛ از یک سو، تلاش در راه به دست آوردن قدرت را جایز و مباح و در بعضی از شرایط، واجب ساخته است. آری! «در آنجا که برای اقامه حق یا انجام تکالیف مهم اجتماعی یا رسانیدن حقوق از دست رفته به صاحبان حق یا اجرای احکام و حدود و فرامین الهی، قدرت لازم است، اسلام قدرت‌طلبی را به‌صورت فریضه‌ای بر همگان لازم و واجب کرده است.» از سوی دیگر، راه این غریزه را به‌سوی تجاوز و افزون‌طلبی بسته است و اگر زمانی قدرت‌طلبی ملازم با ظلم و زورگویی و جنایت باشد، آن را کاری ناروا و ممنوع شمرده است. ممکن است که پیوستن به قدرتمند ستمگر یا دستگاه تبهکار، قدرت فراوانی برای یک قدرت‌طلب به همراه داشته باشد، اما اسلام هرگز چنین رخصتی نمی‌دهد؛ زیرا پیوستن به یک ستمگر یا نظام سیاسی طاغوت، کمک به پایداری ستم است. اینجا حکم اسلام و قرآن، رودرروی طغیان و انحراف غریزه قرار گرفته و راه را بر آن می‌بندد. اسلام به مسلمان دستور می‌دهد در برابر این انگیزه قدرت‌طلبی که انگیزه‌ای شرافرین و فسادآفرین است، مقاومت کن؛ این یعنی صبر در برابر معصیت (خامنه‌ای، ۱۳۵۴: ۵۳-۵۴).

۳-۲-۳. صبر در برابر حوادث ناگوار

زندگی آدمی همواره در معرض حوادث تلخ و ناگوار قرار دارد و از آن‌گزیز و گریزی نیست. بیماری‌ها، آسیب‌های جسمی، خسارت‌های مالی، فقدان عزیزان، محرومیت‌ها و...

بخش‌های رنگارنگی از این سرگذشت اجتناب‌ناپذیر بشر هستند که حتی بر خوردارترین و قدرتمندترین مردمان نیز از حوادثی از این قبیل، مصون نمی‌مانند. مصائب به دو دسته تقسیم می‌شوند: مصائب قهری و مصائب اختیاری.

منظور از حوادث قهری و غیراختیاری، مصیبت‌هایی است که اراده آدمی، در پدید آمدن نقشی ندارد؛ مثل آمدن زلزله و از دست دادن یکی از عزیزان یا دوستان. در این پیشامدها - که البته به طور قهری و بدون میل و اراده انسان در زندگی او رخ می‌نماید- بعضی مقاومت خود را از دست داده و دچار شکستگی روحی می‌گردند و گروهی دیگر، بار مصیبت را تحمل کرده و با توجه به جریان طبیعی این جهان، خود را از هنگامه مصیبت سالم و سربلند خارج می‌سازند. ضجه و زاری و جزع، خود یک کشش قهری و طبیعی است که شور عاطفه سرکش بر انسان تحمیل می‌کند. صبر در مقابل مصیبت‌ها، به معنای تسلیم نشدن در برابر این موج عاطفی است. انسان صبور در مواجهه با مصائبی از این قبیل، متانت روحی و شخصیت انسانی خود را از دست نداده، دست و پای خود را در برابر حادثه گم نمی‌کند. مصیبت، او را دل‌مرده و افسرده و بی‌نشاط نمی‌سازد و پای او را از حرکت و تلاش در راه هدف اصلی و جدی زندگی اش باز نمی‌دارد. این صبر نیز از انواع صبر جمیل است (خامنه‌ای، ۱۳۵۴: ۷۴-۷۶). بدون سوخت صبر بر مصائب، حرکت انسان متوقف یا منحرف می‌شود یا حرکت، دیگر همراه با شادابی و نشاط روحی نخواهد بود. چنین شخصی ذخیره مناسب و لازم برای صعود به قله را در کوله‌پشتی و لوازم خود ندارد. پس صبر در برابر مصیبت‌های قهری زندگی، دو فایده دارد: ۱. مانع هدررفت انگیزه و نشاط روحی انسان می‌شود و انگیزه حرکت به سمت قله را در وجود انسان حفظ می‌کند؛ ۲. اراده انسان را نیرومند می‌کند و زمینه تاب‌آوری و مقاومت در برابر مصائب اختیاری را به او می‌دهد. تشویق و تحریص عجیبی که از طرف اولیای دین به صبر در این موارد صادر گشته، به لحاظ همین نقش سازنده و اعجاز‌آمیز است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «من لایعد الصبر لنوائب الدهر یعجز»؛ آن کس که برای سختی‌ها و ناملایمات روزگار، مایه‌ای از صبر فراهم نکرده باشد، به ناتوانی و عجز در خواهد افتاد.

(کافی، ج ۲: ۹۳). عجز، متضاد قدرت است. عجز زمانی است که ذخیره قدرت به صفر رسیده و حرکت متوقف و به سکون تبدیل شده است. آن انسان و سپاه و لشکر و دولت و امت و ملتی که فاقد ذخیره استراتژیک صبر برای روز مبادا و سختی باشد، فاقد قدرت است و بدون جنگ، بازنده نبرد است. پس نباید پس از ضربات سخت مصیبت، به حالت مرگ یا اغما افتاد، بلکه باید با توکل بر خدا، بند حمایل محکم بست و به طرف قله به راه افتاد و هدف را که همان فتح قله است، از یاد نبرد. بله! تیر غم، انسان‌های مرغ‌دل را از ادامه راه منصرف می‌کند، نه عقابان تیزپرواز را.

کوهنوردی که پا در کوهسار گذاشته، رزمنده‌ای که به جهاد فی سبیل الله قدم گذاشته، خود به استقبال سختی‌ها و مصیبت‌ها شتافته است. او آگاهانه و از روی درک و شعور، به سوی هدف متعالی خویش به راه افتاده است. خود را برای تیر حوادث و حرکت پس از آن، آماده کرده است.

اهداف انبیای الهی، بر اثر اصطکاک و تضاد با منافع طبقات ستمگر و زورگو و سودجو، مورد تعرض و مخالفت این طبقات قرار گرفته و به این دلیل، میان صاحبان و منادیان این هدف‌ها با سردمداران طبقات مزبور، ستیزه‌ها و درگیری‌های دائمی برقرار بوده است. این وضعیت اجتناب‌ناپذیر، مستلزم آن است که برای رهروان راه حق و منادیان عدل و راستی و دنباله‌روان و پویندگان راه انبیا، همواره مصائب و ناملایماتی از همه نوع و همه گونه، قابل پیش‌بینی باشد: «لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (آل عمران: ۱۸۶)؛ محققاً و به صورتی اجتناب‌ناپذیر، از ناحیه جان و مال، مورد بلا و آزمایش قرار خواهید گرفت و از طرف یهودیان و نصارا و مشرکان، آزار فراوان خواهید دید و اگر صبر و مقاومت بورزید و تقوا پیشه کنید، پس این از مهم‌ترین کارها است. هرچه مرتبت و پایگاه ایمان و عمل آن کسی که در راه این هدف، پویا و روان است، بالاتر و تأثیر و اهمیتش بیشتر باشد، ضربات و صدمات وارد بر او نیز به همان نسبت شدیدتر و تحمل آن دشوارتر است. صبر در برابر این حوادث، نمودار قوام‌گرفتگی مایه‌های انسانی است (خامنه‌ای، ۱۳۵۴: ۸۰-۸۱).

ممکن است کسی بر اثر صبر بر انجام وظایف اسلامی (صبر بر طاعت) و یا صبر در برابر انگیزه‌های گناه (صبر در برابر معصیت) در شمار مؤمنان به دین درآید و قدم در راهی که پایانش خداست، بگذارد، ولی در برابر مصائب و حوادثی که لازمه حتمی و اجتناب‌ناپذیر این راه است، توان مقاومت نیاورده و در بین راه، به ضعف روحی و سستی عقیده و نومیدی و دیگر موجبات توقف، دچار شود و بر اثر بی‌صبری، راه را ناتمام گذارده و برگردد و از بخشی از وظایف و تکالیفی که بر دوش او هست، شانه خالی کند. پس به پایان رسیدن و ادامه این راه، بی‌گمان متوقف بر فراهم آوردن این شاخه از صبر - یعنی صبر در مصائب اختیاری - است (خامنه‌ای، ۱۳۵۴: ۸۵).

روشن است که صبر بر مصیبت‌ها و غم‌ها و غصه‌های اختیاری و غیراختیاری، از کارهای مهمی است که رسیدن به قدرت و حفظ قدرت و تثبیت قدرت و توسعه قدرت متعالی و الهی را به دنبال دارد. نکته راهبردی در این بحث، آن است که مبارزه نباید متوقف شود؛ به این معنا که وقتی سختی‌ها و مشکلات زیاد می‌شود، در مقابل، امید به پیروزی هم کم می‌شود، اگر تلاش متوقف شد، شکست قطعی است؛ اما اگر تلاش در دل ناامیدی متوقف نشد و ادامه یافت، تلاشی که یقیناً محتمل به شکست است، آن تلاش، دل تاریکی را خواهد شکافت و به موفقیت خواهد رسید. حضرت موسی از این راهبرد برای بسیج و سازماندهی مبارزاتی بنی اسرائیل استفاده کرد که می‌توان آن را «راهبرد تلاش در شکست» نامید.

نتیجه‌گیری

منابع قدرت نرم، بسیار گسترده و متنوع‌اند. مسئله ما، تبیین منابع راهبردی قدرت نرم، یعنی ایمان و صبر، از منظر امام خامنه‌ای بود. براساس این تحقیق، تصور از قدرت در علوم انسانی و سیاسی قرآن‌بنیان - که انسان مؤمن معمار آن است - با علوم انسانی و سیاسی رایج متفاوت است. در علوم انسانی قرآن‌بنیان، قدرت به معنای «اقدام در صورت اراده» و در علوم انسانی رایج، «تحمیل اراده الف بر ب» تعریف شده است؛ حال آنکه تحمیل اراده خود بر دیگری، تعریف سلطه و دیکتاتوری است نه قدرت. ایمان به معنای «باور متعهدانه، آگاهانه و زاینده»

است و عمل، جزئی از ساختمان آن به شمار می‌رود؛ از این رو، ایمانی منشأ و منبع قدرت نرم است که متعصبانه، جاهلانه و مقلدانه نباشد. به بیان دیگر، ایمان صرفاً ذهنی یا اعتقادی نیست، بلکه عمل را هم در بر می‌گیرد و صبر و ایمان، در کنار مؤلفه‌هایی مانند عقلانیت، قدرت‌آفرین است.

در میان اعمال صالح، صبر جایگاهی مهم و اساسی دارد و نسبت آن با سایر اجزای پیکر دین اسلام، نسبت سر به بدن است. البته صبر در صورتی منبع قدرت است که فرد، تمامی سختی‌ها، مشکلات، گرسنگی‌ها، تشنگی‌ها، عرق ریختن‌ها و در دریای ترس و خوف و خطر فرورفتن‌ها را بپذیرد، تا جایی که خود را صددرصد شکست خورده ببیند؛ اما به دلیل ایمان راسخی که دارد، همچنان به تلاش خود ادامه دهد و دلسرد و ناامید و مأیوس و تسلیم نشود و به تلاش خود حتی در شکست ادامه دهد. طبق این تلقی، قدرت نرم در نظام سیاسی الهی، در مقابل قدرت نرم در تفکر طاغوتی جوزف نای قرار دارد و در مسیر صداقت در حرکت است؛ نه به معنای فریب دیگران و جهت دادن نامرئی به ذهن و زبان و فکر و اراده دیگر آحاد بشر. از این رو، توجه به دو بحث راهبردی ایمان و صبر و مقاومت، از شاخصه‌های مهم در بررسی آسیب‌شناسی جوامع دینی است.

بنابراین، از آنجاکه ایمان به خدا و صبر و مقاومت برای خدا، از منابع اصلی قدرت نرم هستند و شکست و پیروزی جبهه حق را رقم می‌زنند، نظام سیاسی الهی نمی‌تواند سکولار باشد، بلکه دین را فرانهاده می‌داند که باید سایر نهادها خود را بر طبق مؤلفه‌ها و شاخصه‌های دین تنظیم کنند. بر این اساس، هر نظام سیاسی و دینی که پیروانش به او ایمان آورده و در برابر مشکلات پیش آمده مقاومت کردند، پیروز شده‌اند و اگر جبهه حق از ایمان و صبر لازم و کافی برخوردار نبوده، با شکست مواجه شده و می‌شود. پیروزی و شکست انبیا و ائمه علیهم‌السلام هم منوط به همین اصل راهبردی بوده است. به این معنا که اگر در نظام الهی و اسلامی، پیروان ایمان یا مقاومت کافی نداشته باشند، موفقیت به دست نخواهد آمد؛ پس لازم است که جبهه حق در تقویت این دو مؤلفه از هیچ تلاشی فروگذار ننماید. و لله الحمد.

کتابنامه

- ارجینی، حسین، و لک‌زایی، رضا (۱۳۹۸). ایضاح مفهومی قدرت در اندیشه سیاسی امام خمینی. دوفصلنامه معرفت سیاسی، (۲۲)، ۹۳-۱۰۸.
- اکری، روح‌الله، و لک‌زایی، رضا (۱۳۹۶). منابع نرم قدرت متعالی در اندیشه سیاسی امام خمینی. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۴ (۵۱)، ۵۱-۷۰.
- جهان‌بین، فرزاد، و پارسا، مونا (۱۳۹۲). راهبردهای ارتقای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام براساس مدل SWOT ازمنظر مقام معظم رهبری. دوفصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۲ (۶)، ۱۳۷-۱۶۰.
- لک‌زایی، رضا (۱۳۹۷). مبانی علوم انسانی ازمنظر قرآن کریم. قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۵۴). گفتاری در باب صبر. تهران، انتشارات غدیر، چاپ مشعل آزادی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸). تفسیر سوره ملک (آیات ۱ و ۲). پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. بازیابی شده از: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24584>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. چاپ بیستم. تهران، انتشارات مؤسسه ایمان جهادی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۰). بیانات در دیدار با میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از مسئولان نظام. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. بازیابی شده از: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=48891>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۱). تفسیر سوره حشر. تهران، انقلاب اسلامی.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۱). تقریرات فلسفه امام خمینی. (به تقریر عبدالغنی اردبیلی). تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- رضاپور، دانیال (۱۳۹۶). قدرت نرم در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی ایران. گرگان، انتشارات نوروزی.
- شجاعی، هادی (۱۳۹۷). منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عرصه روابط بین‌الملل. قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- عراقی، ضیاء‌الدین (۱۳۶۱). بدائع الأفكار فی الأصول (تقریرات میرزا هاشم آملی). جلد اول. نجف اشرف، المطبعة العلمیه.
- قرآن کریم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی. (علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، مصححان). تهران، دار الکتب الإسلامیه.

- گلشن آزادی، علی اکبر (۱۳۳۲). دیوان غزلیات، قصاید، مثنویات، رباعیات، قطعات گلشن آزادی. مشهد، آزادی.
- لک‌زایی، شریف، و لک‌زایی، رضا (۱۳۹۵). انسان و جامعه در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای. فصلنامه سیاست متعالیه، ۴ (۱۵)، ۶۳-۸۲.
- ملک‌زاده، محمد (۱۳۹۹). قدرت نرم در روابط بین‌الملل. تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- منتظری، غلامرضا، و سپهری، یدالله (۱۴۰۲). مؤلفه‌های قدرت نرم اقتصادی در اندیشه دفاعی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی). مطالعات قدرت نرم، پاییز، ۱۳ (۳)، ۷-۲۴.
- نای، جوزف (۱۳۸۹). قدرت نرم. چاپ چهارم. (محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، مترجمان). تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- نباتیان، اسماعیل، و رضاپور، حسین (۱۳۹۳). نقش قدرت نرم آموزش عالی در تحقق اهداف انقلاب اسلامی. فصلنامه سیاست متعالیه، ۲ (۷)، ۳۹-۵۸.
- نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۳۶۷). اساس الاقتباس. (محمدتقی مدرس رضوی، مصحح). تهران، دانشگاه تهران.